

«بادا بادا بادا»

روح الله حبیبیان

چهار

۲۲

ش ۱۳۵

واقع وقتی گفته می‌شود ازدواج با محارم حرام است یعنی اگر کسی صیغه ازدواج را برای چنین موردی بخواند نتیجه‌ای ندارد و عقد صحیح شکل نمی‌گیرد، نه این که به صرف خواندن صیغه انسان مرتکب گناه شده باشد.

البته موارد حرمت ازدواج منحصر در همین مورد محرمیت نیست. بلکه موارد دیگری هم هست که به آن‌ها اشاره می‌کنیم. اما در همین مورد محرمیت هم مواردی وجود دارد که چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد. مانند مسأله محرمیت ناشی از شیر خوردن یا همان «رضاع»... کم نیستند افرادی که به دلایل مختلف در کودکی از فردی غیر مادر خود شیر خورده‌اند که معمولاً این امر توسط بستگان نزدیک انجام می‌شود. یعنی خاله یا عمه نوزاد مدتی به او شیر می‌دهند. در این موارد اگر شرایط و ضوابط معین در کیفیت و کمیت شیردهی که در فقه گفته شده حاصل شود، این خاله و عمه حکم مادر رضاعی کودک را پیدا می‌کنند و فرزندان آن‌ها به این کودک محرم می‌شوند و این کودک هم به شوهر آن زن. البته مسأله محرمیت ناشی از شیردهی جزئیات و ظرافت‌های دقیقی دارد که باید در موارد مختلف با توجه به این نکات حکم صادر کرد. اما به طور کلی باید گفت متأسفانه کم نیستند افرادی که به واسطه شیر خوردن با افراد مختلفی محرمیت پیدا می‌کنند، ولی خودشان از این امر مطلع نیستند.

محرمیت‌های مصلحتی

یکی دیگر از موارد ابتلاء در همین زمینه، محرمیت‌های مصلحتی است که آن هم در برخی مناطق و نزد برخی از خانواده‌ها رواج دارد. مثلاً دیده می‌شود که برای حل مشکل محرمیت در روابط خانوادگی صیغه محرمیت چند ساعته‌ای بین مثلاً پدر بزرگ داماد با خواهر کوچک عروس می‌خوانند تا این خواهر کوچک با داماد خانواده محرم شود. غافل از آن که با این صیغه خواندن افراد دیگری هم به این دختر محرم می‌شوند و ممکن است در آینده و در مسأله ازدواج‌های ده‌ها سال بعد،

است که متأسفانه چندان به آن توجه لازم نمی‌شود و آن تفاوت حکم ازدواج در افراد مختلف است. در تعبیر فقهی به کارهای مستحب «سنت» گفته می‌شود و به کارهای واجب «فرض» یا «فریضه». در مورد ازدواج هم همواره بر مستحب بودن آن تأکید می‌شود و معمولاً تعبیر «سنت ازدواج» در مورد آن به کار می‌رود. در حالی که این وضعیت عادی و طبیعی ازدواج است که به خودی خود کاری مستحب شمرده می‌شود. اما همین امر مستحب برای برخی از افراد تبدیل به تکلیفی واجب و ضروری می‌گردد. طبق نظر همه مراجع تقلید اگر کسی بواسطه ازدواج نکردن مبتلا به گناه و معصیت شود بر او واجب است که ازدواج کند. در نتیجه اگر واقع بین باشیم باید بگوییم کم نیستند جوان‌هایی که ازدواج کردن برای آن‌ها تکلیفی است واجب، هر چند شرایط ایده‌آل و متعارف ازدواج برای آن‌ها فراهم نباشد. در واقع اگر مثلاً جوانی خدای نکرده مبتلا به گناه خود ارضایی است و توان ترک این گناه را هم ندارد، ازدواج کردن برایش واجب است و باید به هر قیمتی شده زمینه ازدواج را فراهم کند و همان‌گونه که برای ثبت نام در کلاس ورزشی یا تقویت و یا خرید گوشی موبایل جدید و جدیدترین مد کفش و لباس، آویزان پدر و مادر می‌شود و بالاخره به خواسته خود می‌رسد، در این تکلیف واجب و ضروری هم باید از همان فوت و فن‌ها بهره برد و به مقصود برسد.

بر همین اساس والدینی هم که از برخی مشکلات فرزندان‌شان مطلعند، اما زمینه ازدواج آن‌ها را فراهم نمی‌آورند به نوعی زمینه‌ساز گناه و مانع انجام یک تکلیف واجب به حساب می‌آیند. همانند آن که نگذارند فرزندان‌شان نماز واجبش را بخوانند.

ازدواج‌های حرام

در کنار مسأله وجوب ازدواج بحث حرمت ازدواج هم مطرح است. یعنی بعضی از ازدواج‌ها حرام محسوب می‌شوند.

البته چنان‌که می‌دانید ازدواج در اسلام نوعی «عقد» به حساب می‌آید و در عقود اسلامی به جز در چند مورد نادر، حرام بودن، به معنی صحیح نبودن است. در

«الکاح سنتی فمن رغب عن سنتی فلیس منی» شاید برای جوانان ایرانی بخصوص آرزومندان ازدواج و فینالیست‌های نشستن سر سفره عقد، هیچ روایتی جذاب‌تر و شیرین‌تر از همین روایت نبوی نباشد. روایتی که اگر هزاران بار هم شنیده باشی باز برای شیرین است و با هر بار شنیدن آن، چند گیگابایت عکس و تصویر و فیلم و تخیل و توهم در چند ثانیه به ذهن انسان هجوم می‌آورد و تصویر گنگی از سفره عقد و نشستن مقابل آینه شمعدان و بوی تند مواد آرایشی و صدای ساییده شدن کله قند و تکرار پشت سر هم فلاش دوربین‌ها و نیش و کنایه‌های خاله زنک‌های دور سفره و...

آهای با شما هستیم! خواننده محترم! جوان عزیز! به قول ناظم دوران ابتدایی ما، چرا نישست باز شده؟! (با عرض پوزش شدید بابت این نقل قول) از دنیای تخیل و توهم بیا بیرون! اگر بنا باشد هر کس چند کلمه در این خصوص صحبت کرد شما این قدر سریع وارد عالم خیالات شوید که دیگر زندگی نمی‌توانید بکنید! به قول عوام «خدا به سر شاهد است» این مسائل فقط به درد همان فیلم‌ها و سریال‌های ابکی تلویزیون می‌خورد و خیال‌پردازی‌های دوران نوجوانی. والا کسانی که همین داستان را تجربه کرده‌اند و به اصطلاح این شتر در خانه‌شان خوابیده، می‌دانند که وقت خوانده‌شدن این حدیث و قبل و بعد آن، آن قدر نگرانی و دغدغه و دلهره وجود انسان را گرفته که اصلاً نمی‌فهمد عاقد چی گفت!

به هر حال جدای از این مسائل به یقین ازدواج سنت پیامبر اسلام و یکی از ارزش‌ترین رفتارهای انسانی است که ضامن سلامت فرد و جامعه و زمینه ایجاد سعادت و خوشبختی در دنیا و آخرت خواهد بود.

اما در عین حال نباید از یاد برد که توجه و دقت در نکات متعدد شرعی و فقهی این مسأله بسیار مهم و شرط نتیجه‌گیری مطلوب در این مسیر است و بی‌توجهی در این زمینه می‌تواند خطرات و ضررهای جبران ناپذیری را به دنبال داشته باشد!

سنت یا فریضه

اولین و مهم‌ترین مسأله شرعی در مورد ازدواج حقیقتی

شروط دقیق طلاق، صیغه طلاق بین آن‌ها به درستی اجرا نمی‌شود و بعد این زن به خیال مطلقه بودن با مرد دیگری ازدواج می‌کند و... حتی در این موارد هم اگر اشکال در صیغه طلاق آشکار شود و معلوم شود این زن هنوز در عقد شوهر قبلی است، طبق برخی نظرات این زن با مرد دوم تا ابد امکان ازدواج ندارد.

حالا ببینید ناآگاهی از برخی احکام شرعی چه مشکلات و دردسرهای غیر قابل جبرانی را برای افراد ایجاد می‌نماید.

فقه‌های فقه خواننده!

یکی از آسیب‌های جدی در مورد بحث ازدواج که البته ناشی از نقص معرفتی ما در مبانی دینی است، داخل کردن تمایلات شخصی و دیدگاه‌های فردی در این زمینه است.

مثلا بسیار دیده می‌شود که پسران و دختران جوان بعد از اقدام به دوستی و رفاقت‌هایی که در گذشته نامشروع بودن آن‌ها را توضیح دادیم و بعد از ایجاد تعلق خاطر شدید، برای حل مشکلات گوناگون ناشی از این روابط دست به تفسیر و تأویل دستورات دینی می‌زنند و فقه خواننده در جایگاه فقه‌ها می‌نشینند.

به عنوان مثال پیش خودشان تحلیل می‌کنند که آنچه در دین مورد مذمت قرار گرفته و به شدت از آن نهی شده فحشا و بی‌بند و باری جنسی و گناه است. ولی رابطه ما پاک و آسمانی است و قصدمان هم ازدواج است در نتیجه ما در حقیقت زن و شوهر هستیم و یقینا خدا خودش از نیت قلبی ما خبر دارد...

بعضی‌ها هم که قدری زرنگ‌تر هستند می‌گویند «اصلا خودمان صیغه محرمیت را به شکل فارسی یا حتی عربی می‌خوانیم تا هیچ مشکلی وجود نداشته باشد».

جالب این که همین دوستان که در این موارد به راحتی قوانین شرعی را به نفع هوا و هوس خود تأویل می‌برند و تغییر می‌دهند در دیگر مسائل زندگی خود به هیچ وجه دست به چنین کاری نمی‌زنند و در آن مسائل ملاک و معیار برایشان قانون است و بسیار هم جدی است. مثلا هیچ وقت نمی‌گویند اگر دفترچه انتخاب رشته را به اشتباه پر کردیم می‌رویم برای مسئولین توضیح می‌دهیم و به حضرت عباس قسم می‌خوریم که منظورمان چیز دیگری بود؟! یا اگر روز کنکور قدری دیرتر رسیدیم سر جلسه و درها بسته بود می‌گوییم قانون را نادیده بگیرند چون ما دیشب کار واجب داشتیم و دیر خوابیدیم...

شریعت بی‌دیوار!

این افراد نه تنها دیواری کوتاه‌تر از دیوار شرع گیر

این جزئیات مورد توجه قرار نگیرد.

پیشنهاد ما در این گونه موارد و همچنین در مورد شیردادن به نوزاد آن است که قبل از انجام هر کاری حتما به یک روحانی مطلع یا یک کارشناس خبره در مورد این مسائل مراجعه شود و جزئیات و نتایج این تصمیم‌ها به طور دقیق و موردی معین شود. البته این نکته هم قابل ذکر است که اگر در مواردی مثلا دو نوزاد از یک زن شیر خورده‌اند، اما نمی‌دانند این شیر خوردن به حد نصاب محرمیت رسیده و نمی‌توانند با هم ازدواج کنند یا نه، اصل بر عدم محرمیت است. هر چند برخی از مراجع در این مورد احتیاط‌هایی را ذکر فرموده‌اند.

نکبت‌های گناه

یکی دیگر از موارد حرمت ازدواج که بسیاری از آن غافلند، نتایج منفی برخی از رفتارهای شنیع و منافی عفت است که باعث حرام شدن برخی حلال‌ها می‌شود. به عنوان مثال اگر خدای نکرده دو نفر مرد آلوده به گناه زشت همجنس‌بازی یا لواط شوند، در برخی از موارد از امکان ازدواج با مادر یا خواهر طرف مقابل محروم می‌شوند و تا ابد این ازدواج برای آن‌ها حرام خواهد بود. البته این مسأله هم جزئیات و شروطی دارد که در نتیجه حکم تأثیرگذار است. اما به هر حال باید دانست که نکبت و پلیدی این قبیل گناهان نه تنها روح انسان را به آلودگی می‌کشاند و سعادت ابدی او را به مخاطره می‌اندازد، بلکه زندگی دنیایی او را هم دستخوش مشکلات و محرومیت‌هایی اینچنین می‌کند.

نمونه دیگر از همین موارد آن است که بین یک مرد و یک زن شوهردار نمودن رابطه جنسی برقرار شود که طبق نظر بسیاری از مراجع این دو فرد تا ابد به هم حرام خواهند بود و حتی اگر آن زن از شوهر خود طلاق هم بگیرد باز هم نمی‌تواند با این مرد ازدواج کند. البته این مورد اخیر تنها مربوط به گناه و آلودگی به فحشا نیست بلکه در مواردی دیده شده که مثلا زنی از شوهر خود طلاق می‌گیرد، اما به دلیل ناآگاهی از





نمی‌آورند، بلکه در مرام آن‌ها اصلا دین و شریعت هیچ دیواری ندارد و هر کجا لازم بود می‌توان از مرزهای آن عبور کرد و با خدا روی حساب پسرخالگی طی کرد! در حالی که جدی‌ترین و محکم‌ترین حدود و قوانین و حساب و کتاب‌ها مربوط به دین و شریعت است و هر چند قوانین دینی، خشک و غیر قابل انعطاف و جامد نیستند، اما در عین حال جدی و محکم و بسیار با اهمیت‌تر از سایر قوانین هستند و حتی تساهل و سهل‌گیری‌های آن هم در تحت ضابطه و قاعده است و هر کس نمی‌تواند بنا بر خواست و سلیقه شخصی و فردی آن را تغییر دهد.

با توجه به این نکات که ذکرش قدری لازم بود، باید خدمت همه دوستان عرض کنیم که این گونه رفتارهای خودسرانه و

از سر هوی و هوس در اکثر رفتارهایی کاملاً اشتباه و جاهلانه است که گناه و آلودگی و حسرت و ندامتی طولانی را به دنبال دارد و تبعات منفی آن گاهی تا آخر عمر دامن‌گیر انسان باقی می‌ماند. پس در هر حال و در هر موقعیت هم نباید دست به تفسیر و تأویل شخصی قوانین دینی زد و حتماً و ضرورتاً باید قبل از هر اقدام عملی در امور درگیر با شریعت، با یک کارشناس خبره دینی مشورت نمود.

یک عقد با دو مدل

در مورد خواندن صیغه عقد و محرمیت و دوستی و... باید بگوییم اصولاً در اسلام یک نوع عقد ازدواج بیش‌تر وجود ندارد و شروط و مقررات مشخصی هم برای آن تدوین شده است. البته این عقد دو شکل اجرا یا به اصطلاح دو مدل دارد. یعنی اگر این ازدواج محدود و مقید به زمان خاصی نباشد، به عنوان «عقد دائم» شناخته می‌شود و اگر محدود به زمان معینی باشد «عقد موقت» یا «متعّه» یا به تعبیر عرفی «صیغه» خوانده می‌شود که البته قوانین داخلی ازدواج موقت با دائم قدری متفاوت خواهد بود. اما ماهیت اصلی ازدواج و شرایط صحت عقد در عقد موقت فرقی با عقد دائم ندارد. در نتیجه در اسلام هیچ مورد دیگری که عامل ایجاد محرمیت و جواز روابط جنسی یا حتی روابط دوستانه شود مانند صیغه خواهر برداری، صیغه دوستی یا محرمیت و... وجود ندارد. حتی عقدهایی که به جهت ایجاد محرمیت‌های خاص و مصلحتی خوانده می‌شود (مانند مواردی که قبلاً اشاره کردیم) هر چند به عنوان صیغه محرمیت معرفی می‌شود، اما در واقع یک ازدواج کامل است و باید همه قیود و شروط عقد نکاح در آن مراعات شود، هر چند بین داماد و عروس ۸۰ سال

وکیل بگیرند و اگر وکیل پیدا نشد خودشان می‌توانند صیغه را به فارسی یا هر زبان دیگر بخوانند. ولی بعضی دیگر از مراجع وکیل گرفتن را لازم ندانسته‌اند و فرموده‌اند اگر نمی‌توانند به عربی بخوانند می‌شود همان صیغه را به فارسی بگویند. اما نکته مهم آن است که ترجمه فارسی باید به گونه‌ای باشد که معنای دقیق صیغه عربی را منعکس کند و به اصطلاح ترجمه درستی از «زَوَّجْتُ» و «قَبِلْتُ» باشد.

بی‌اجازه؟! بی‌اجازه!

اما مهم‌ترین شرط صحت عقد برای افراد بخصوص جوانان مسأله اجازه پدر دختر است که اگر آن نباشد، حتی اگر صد بار صیغه را به عربی آن هم با لهجه‌های گوناگون بخوانید باز

این وصلت سر نمی‌گیرد.

در حقیقت عقد ازدواج از هر نوع و با هر هدف و انگیزه‌ای که باشد حتماً و ضرورتاً باید تکلیفش با این شرط روشن باشد. در نتیجه در این مورد هر کس باید به نظر خاص مرجع خود رجوع کند به این شرط که اولاً اختلافی هم بین نظر مرجع پسر و دختر نباشد و ثانیاً در اصل انتخاب مرجع خود مسیر اشتباهی را طی نکرده باشند.

بی‌اجازه، بشرطها و شروطها

لازم به ذکر است که همه آن چه در مورد اجازه پدر یا جد پدری ذکر شد در فرضی است که دختر پدر یا پدربزرگ پدری داشته باشد، ولاً اجازه مادر یا برادر یا عمو یا هر فرد دیگر در صحت شرعی عقد دخالتی ندارد. البته به شرطی که دختر از نظر سن و فهم و درک به حدی رسیده باشد که مصلحت خود را تشخیص بدهد و به اصطلاح فقهی «رشیده» باشد. نکته بعدی آن که لزوم اجازه پدر یا جد پدری تنها در مورد دختران دوشیزه و به اصطلاح «باکره» است ولاً دختری که قبلاً ازدواج کرده و باکره محسوب نمی‌شود، دیگر نیاز به اجازه گرفتن ندارد به شرطی که رشیده باشد.

همچنین در مورد ماهیت باکره بودن و این که اگر فردی با گناه یا در حادثه‌ای بکارت خود را از دست داده یا اصولاً بکارت نداشته، باز هم نیازمند اجازه پدر هست یا خیر، نیز در بین مراجع اختلاف نظرهایی وجود دارد که دقت در آن موارد لازم به نظر می‌رسد.

اختلاف سن باشد و مدت ازدواج هم نیم ساعت.

خودت و خودش!

اما سؤال مهم و در برخی موارد حیاتی این است که در هر حال آیا پسر و دختری خود می‌توانند صیغه عقد ازدواج موقت یا دائم را خودشان برای خود بخوانند یا خیر؟

در پاسخ فارغ از همه نکات توصیه‌ای و اخلاقی و اجتماعی این مسأله که فعلاً با آن کاری نداریم باید گفت بله. چون ازدواج یک عقد و معامله طرفینی است که دو طرف آن هم زن و شوهر هستند و می‌توانند این معامله را بدون وساطت هیچ فرد دیگری انجام دهند و به اصطلاح برای اجرای عقد خودشان وکیل نگیرند. اما به شرطی که سایر شروط را به درستی رعایت بکنند: در واقع اجرای یک عقد صحیح دارای شروط و ضوابطی است که بدون ملاحظه آن‌ها عقد ازدواج صحیح نخواهد بود.

نخست آن که باید صیغه عقد به شکل عربی صحیح خوانده شود یعنی دختر بتواند صیغه «ایجاد» را درست بخواند و پسر هم قبول کند یا این که پسر وکیل دختر شود در خواندن صیغه ایجاب و از طرف خودش هم صیغه قبول را بگوید.

اما اگر صیغه را به درستی بلد نیستند یا نمی‌توانند به عربی صحیح بخوانند، در بین مراجع اختلاف نظر وجود دارد برخی فرموده‌اند که احتیاطاً باید برای اجرای صیغه